



## شلاق بزنید، محکم هم بزنید!

به اجرا درآید. در یک کنفرانس خبری شاهد بودیم که بزرگواری تکیه داده بر صندلی راحتی واقع بر صدر یک میز کنفرانس آنچنانی، در حالی که صورت و هیأت ایشان به زحمت از میان انبوه دسته گل‌هایی که هر کدامشان چندده و بلکه چند صد هزار تومان قیمت دارد، تشخیص داده می‌شد، از اندیشه و عملکرد حضرت علی (ع) در مورد تعزیر گناهکاران احادیث و روایاتی را نقل می‌فرمودند. در مجلس مشابهی، بزرگوار دیگری از قاطعیت حیدر کرار در برابر فسق و فجور طلحه و زبیر سخن می‌گفتند. این روایات، احادیث و مستندات قرآنی چنان روحنواز و آرامش بخش بود و البته هست که شنونده حتی اگر مسلمان و شیعه هم نباشد، مجذوب آنها می‌شود. اما مسلمان شیعه که این مطالب را بارها شنیده از مشخصات و مختصات دیگر تعالیم اسلام، رفتار معصومین و علمای اسلامی دوران‌های مختلف نیز چیزهایی می‌داند، حتی اگر آدمی باشد نظیر من که به کم آگاهی خود اعتراف می‌کند. همین من زمانی که آن روایات را می‌شنیدم، بلافاصله و بی اختیار به یاد زندگی محقرانه حضرت علی (ع) افتادم. لباس مندرس و غذای

پذیرش این نتیجه که اصلاح طلبان مذهبی و غیرمذهبی مرا فردی واپسگرا نام نهند، اعلام می‌کنم من موافق شلاق زدن خلافکاران بر مبنای نظریه ریاست محترم قوه قضاییه و طرفداران ایشان هستم. این بزرگواران ادله‌ای آورده اند که به موجب آنها احکام اسلام تعطیل بردار نیست و برای مستندتر کردن استدلال‌های خویش، روایات و احادیثی را نیز نقل کرده‌اند. دلیل من برای موافقت با شلاق زدن خاطیان در ملاء عام نیز همین استدلال هاست و چنین می‌پندارم که این حضرات عظام قصد کرده‌اند تمامی احکام دین مبین اسلام را با همین دقت و صلابتی که در مورد شلاق زدن مرعی داشته‌اند، به اجرا بگذارند. بنابراین به روزی چشم دوخته‌ام که تعالیم قران کریم در مورد حقوق مسلمانان، معیشت مسلمانان، حفظ حریم مسلمانان، برابری بین مسلمانان، حق نظارت مسلمانان بر عملکرد حاکمان، و سواس حاکمان در خرج از بیت المال، اجرای عدالت اجتماعی و قضایی یکسان در مورد اتباع مسلمان یک جامعه اسلامی، ساده زیستی رهبران جامعه اسلامی و... با همین دقت و سواسی که در مورد شلاق زدن مرعی می‌شود،

در تمامی سی و یک روز مرداد سال جاری، مهم‌ترین سرگرمی رسانه‌ها و مردم ماموضوع شلاق زدن خلافکاران در معابر و در حضور مردم بود. اگر حجم این خبرها، مقالات، گفتارها و نوشتارهایی که در این باره به خورد افکار عمومی داده شد با میزان خبرها، مقالات، گفتارها و نوشتارهایی که در زمینه‌هایی بس مهم، از جمله معرفی کابینه دوم آقای خاتمی به افکار عمومی انتقال یافت، سنجیده شود، با حیرت در می‌یابیم در کشوری که صدها مشکل و مسأله حاد دارد، چگونه موضوعی که می‌توان برای آن در سطح مراجع عالی مذهبی و مملکتی تعیین تکلیف کرد، تبدیل به با "اهمیت‌ترین" و "حساس‌ترین" رویداد اجتماعی می‌شود و هفته‌های متوالی ذهن و فکر همگان را به خود مشغول می‌کند. نظریات و مقالات مختلفی در زمینه به صلاح بودن یا نبودن اجرای تعزیر شلاق در انظار عمومی خواندیم. موافقان و مخالفان، شواهد متعددی از متون دینی، احادیث و نظریات فقهی فقهای نامدار ارایه کردند که در این میان نظریه‌های ناظر بر ناصحیح بودن شلاق زدن خطاکاران در کوچه و خیابان با مذاق خیلی‌ها سازگاری بیشتری داشت. با وجود این و با

ساده و کم هزینه ایشان (نان جو و گاهی اندکی شیر) را در نظر مجسم کردم. و سواس آن حضرت را در استفاده از بیت المال به خاطر آوردم. داستان معروفی را که در مورد برادر نابینای ایشان - عقیل - و دخترگرامیشان کلثوم بارها و بارها از زبان خطبای محترم شنیده‌ام و یا در مکتوبات دینی خوانده‌ام، به یاد آوردم. داستان‌های دیگری هم به یادم آمد که حاکی از قاطعیت حضرتش در برابر خطاکاران گردن کلفت و پشت و پناه دار و رأفتش نسبت به گناهکاران ضعیف، بی پشت و پناه، نادان و فریب خورده است.

وقتی سخنرانی این بزرگواران را می‌دیدم و می‌شنیدم، این پرسش در ذهنم نقش بست که وقتی حضرت علی (ع) امر به تعزیر طلحه و زبیر می‌فرمود با مرکوبی گرانبها به محل کنفرانس

آمده بود، لباسهایی چنان گرانبها بر تن مبارکش داشت و در چنان سالن مجللی روی صندلی منبت کاری شده و پشت چنان میز کنفرانس مجللی بر روی چنان فرش‌های گرانبهایی و در میان انبوهی از دسته گل‌های گران قیمت جلوس فرموده بود؟

این پرسش مانع نشد تا در موافقتم با طرفداران اجرای قاطعانه تعزیرات و حدود اسلامی در کوچه و خیابان اندک خللی وارد آید. نه، من هنوز هم از نظریات و ارشادات حضرات جانبداری می‌کنم و حتی معتقدم مراسم شلاق زدن خطاکاران را به طور مستقیم از سیمای درون مرزی و فرامرزی پخش کنند، تا به جای دو سه هزار نفر، دو سه میلیون نفر و یا حتی بیست - سی میلیون نفر به خود آیند و متنبه شوند، منتهی به خود حق می‌دهم بپرسم سایر

احکام تعطیل ناپذیر اسلام کی به اجرا درمی‌آید؟ کی ما شاهد خواهیم بود پسر یا دختر فلان شخصیت صاحب قدرت و نفوذ یا ثروت کلان هم در ملاء عام شلاق خواهد خورد؟ کی شاهد خواهیم بود عاملان رده بالای واردات کالاهای ممنوعه و مروج فساد، شناسایی و معرفی شوند؟ کی شاهد خواهیم بود اختلاس کنندگان گردن کلفت از بیت المال و سوء استفاده کنندگان از قدرت، تعزیر شوند؟ و کی شاهد خواهیم بود فاصله غنی و فقیر در جامعه اسلامی ایران به ژرفای ژرف‌ترین دره‌ها نباشد؟ و البته، گمان نمی‌کنم طرح این پرسش‌ها اشکالی داشته باشد، مگر آن‌که کسانی باشند که قایل به دو نوع اسلام هستند. اسلامی برای خواص و اسلامی برای عوام.

محمد حیدری

